

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدمامین قانع‌راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

۷ پلاسکو از آغاز تا پایان

مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو

محمد مهدی رحمتی
دانشیار دانشگاه گیلان

ساختمانی بلندمرتبه در مرکز پایتخت دچار حریق و ویرانی می شود و تعدادی از انسان ها جان خود را از دست می دهند. به ظاهر، واقعه ای رخ داده که وجه فیزیکی آن بیشتر به چشم می خورد، اما قرار گرفتن این رخداد در متن جامعه و فرهنگ نشان می دهد که جنبه های فرهنگی و اجتماعی آن، گستره ای فراگیر در سطح محلی، ملی و حتی بین المللی دارد.

بر مبنای یک سنخ شناسی قراردادی روایت های مطرح شده پس از این رخداد را می توان در سه مقوله کلی جای داد که از سه ساحت متفاوت به این موضوع می پردازند. تحلیل ها و تبیین های مطرح شده در باره این رخداد، از توهم توطئه تا تحلیل های منطقی/علمی را در بر می گیرند. این سه سنخ، اولی عمدتاً بر مبنای احساسات، دومی

بر مبنای گفتمان امنیتی-سیاسی، و سومی بر اساس منطق علمی/عقلانی به تحلیل و تبیین این رخداد پرداخته‌اند.^۱ به‌رغم تفاوت‌های معرفت‌شناسانه بین این روایت‌ها، گاهی جنبه‌های مشترکی - از جمله رگه‌هایی از توهم توطئه - نیز میان این روایت‌ها به چشم می‌خورد که نیاز به تبارشناسی دارند و فعلاً منظور این نوشته نیست.

پلاسکو، تنها یک ساختمان نبود، بلکه نمادی بود از آغاز و گسترش مدرنیزاسیون شهری با آوازه‌ای که به شهر تهران منحصر نبود و در سطح ملی نیز نمود داشت. افزون بر این، پلاسکو برای مدت بیش از دو دهه، نمادی از یک مرکز اقتصادی بود و در حافظه جمعی بسیاری از شهروندان تهرانی و بعضاً غیرتهرانی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ یک نوستالژی به شمار می‌آمد. از این منظر، سوختن و ویرانی پلاسکو، به نوعی نمادی از فروپاشی یک دوره تاریخی به همراه پیوست‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن است که حتی می‌توان آن را به منزله‌ی یک تروما و حادثه‌ای اثرگذار در مقیاس ملی تلقی کرد. واکنش عمومی، نسبت به اتفاقات مربوط به این رخداد، در پرتو بهره‌گیری از فضاهای رسانه‌ای نوپدید، به‌ویژه تلگرام، به رخداد مذکور، صورتی متفاوت داد و مردم با استفاده از این فضای رسانه‌ای غیررسمی، تلاش کردند تا در متن حادثه حضور یابند. در این نوشته، قصد بر این است که با بهره‌گیری و الهام از برخی مفاهیم جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی، به طرح چند نکته در مورد رخداد آتش‌سوزی و فروریختن ساختمان پلاسکو پرداخته شود. به همین منظور، پیامدها و بازنمودهای این رخداد، در سه عنوان خوب، بد، زشت^۲ مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. با اندکی تسامح، این سنخ‌شناسی قراردادی را می‌توان در مورد بسیاری از رویدادها و رخداد‌های جمعی به‌کار گرفت.

۲. از فیلم‌های مشهور ژانر موسوم به وسترن اسپاگتی به کارگردانی سرجیو لئونیه ایتالیایی، محصول ۱۹۶۶.



خوب

از نظر عاطفی و اخلاقی، چندان شایسته نیست که در مورد رخدادی که منجر به ویرانی و مرگ شده است، سخن از جنبه‌های مثبت کرد، اما از منظر اجتماعی و فرهنگی می‌توان از هر واقعه و حادثه تلخ نیز درس‌هایی آموخت. رخداد پلاسکو، با همه تلخی، دارای مضامین مثبت بود که به صورت تیتروار در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرند:

- نمایش فداکاری، ایثار، از خودگذشتگی، توجه به هم‌نوع، احساس هم‌دلی و هم‌دردی با حادثه‌دیدگان و حس فراگیر همبستگی اجتماعی در مورد این رخداد. واکنش گسترده و هم‌دلانه مردم و جامعه مدنی نسبت به این رخداد را می‌توان، تبلور نشانه‌ها و نمادهای بالقوه سرمایه اجتماعی به‌شمار آورد.
- مهیا شدن فرصتی برای آسیب‌شناسی زندگی شهری، و درگیر شدن همگان در مسائل زندگی شهری و جمعی.
- بازاندیشی برای ساخت آینده‌ی شهر، به‌ویژه با تأکید بر مقوله‌های امنیت و مقاوم‌سازی، تعمیر و نگهداری و مدیریت حوادث شهری.
- فراهم شدن فرصتی مناسب برای ورود نهادهای مدنی، و حضور و دخالت همگانی در وقایع اجتماعی.
- پدیدار شدن فرصتی تازه برای اندیشه و نگاه علمی و انتقادی به بحث مدیریت و امنیت شهری، به‌ویژه در حیطه ساختمان‌سازی و اقدامات امداد‌رسانی.

بد

- وجود کاستی‌های مدیریتی از جنبه‌های مختلف و نابسامانی در مدیریت فاجعه، و فقدان مدیریت مناسب برای پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی، و رواج این تلقی نزد عامه مردم که مدیریت بحران خود‌گرفتار بحران است.



- آشکار شدن آسیب‌پذیری و بی‌پناهی مردم در برابر حوادث احتمالی گوناگون در شهر، و مطرح شدن مطالبات عمومی در مورد افزایش نظارت بر امنیت شهر.
- رخداد پلاسکو، نشانه‌ای از فقدان اقدامات پیشگیرانه سازمان‌های مسئول و نظارت نادرست بر ساختمان‌سازی و مدیریت ساختمان‌هاست. به عبارت دیگر، این رخداد، ضرورت تقویت توان فنی و تجهیزاتی سیستم ایمنی شهری و روستایی کشور را مورد تأکید قرار داد.
- آشکار شدن امکانات بعضاً ناکافی و نامناسب برای مداخله در حوادث جمعی، مانند کمبود و کاستی در وسائل و تجهیزات اطفای حریق و نارسایی‌های فنی در جریان عملیات امدادرسانی.
- ویرانی چند صد مغازه و مکان کسب‌وکار، که میلیاردها تومان خسارت بر جای گذاشت و سبب مختل شدن جریان زندگی و زیست افرادی شد که از طریق این مکان به کار، و کسب درآمد مشغول بودند.
- واکنش و رفتار مردم در قبال این رخداد، و برخی رخدادهای جمعی مشابه دیگر، نشان از کاستی در فرایند جامعه‌پذیری و آموزش الگوهای اجتماعی و فرهنگی - الگوسازی فرهنگی - متناسب با سبک زندگی مدرن در جامعه دارد. این کاستی در آموزش، به ضعف عملکرد نهادهای عامل در جامعه‌پذیری، مهم‌تر از همه سه نهاد دین، رسانه، و آموزش و پرورش مربوط می‌شود. با توجه به اهمیت اجتماعی و فرهنگی دین در جامعه ایران، این نقد به نهاد دین وارد است که مرجعیت دینی به شکل مناسب و کافی نتوانسته فقه را وارد عرف و رفتار روزمره کند و در حیطه کنش روزمره اجتماعی، اهمیت و حضور مؤثر خود را نشان دهد.
- وجود ضعف‌ها و کاستی‌های مدیریت احساسات جمعی، که



نمونه‌های آن را می‌توان در رفتار هواداران فوتبال در ورزشگاه‌ها، یا رفتار مردم در تشییع جنازه افراد مشهور مشاهده کرد. جامعه ما به رغم برخورداری از توان‌مندی‌های مدیریت رفتار جمعی در حیطه فرهنگی سنتی، که جلوه‌های آن را می‌توان عمدتاً در برگزاری مناسک و آئین‌های سنتی و دینی — اعیاد شعبانیه، عزاداری‌های محرم و صفر — مشاهده کرد، به نظر می‌رسد در تعریف و مدیریت رفتار جمعی در فضاها، مدرن، با کاستی‌هایی مواجه است و از طرف سازمان‌ها و نهادهای متولی امر فرهنگ و الگوسازی فرهنگی، در این مورد کوتاهی صورت گرفته است. برای مثال، نهاد آموزش و پرورش که عهده‌دار مرحله‌ای مهم از اجتماعی‌شدن کودکان، نوجوانان و جوانان است، یا رسانه که از امکان و توان بالقوه بالایی برای الگوسازی فرهنگی برخوردار است، آن‌گونه که باید، نتوانسته‌اند در این حیطه و مدیریت احساسات جمعی در قالب فضاها و چارچوب‌های رفتار و روابط مدرن، نقش آموزشی و راهبردی تأثیرگذاری ایفا کنند. با نگاهی وبری می‌توان گفت در جامعه ایران، در چارچوب کنش‌های سنتی و تاحدی عاطفی کردوکارهای اجتماعی کاستی‌ها در مقایسه باحیطه کنش عقلانی مدرن کمتر است.

● غیبت نهادهای مدنی در فرایند قبل و بعد از رخداد فاجعه؛ به‌رغم توان بالای اجتماعی، برای حضور مؤثر نهادهای مدنی در رخدادهای جمعی، کماکان شاهد تمرکز بسیاری از کنش‌ها در چارچوب اقدامات دولتی هستیم و رفتار مردم، عمدتاً منحصر به نظاره و هم‌دلی است. به‌رغم تمایل بالای مردم به تأثیرگذاری مثبت، اما به جهت عدم سازمان‌دهی مناسب و فقدان آموزش‌های لازم و ضروری برای دخالت و حضور مؤثر در این‌گونه مواقع، گاه این نیت خیر به نتایج منفی، مانند اختلال در عملیات امدادرسانی



و غیره منجر می‌شود. جامعه، آموزش لازم را برای رفتار مناسب در هنگام بروز حوادث و رخداد‌های جمعی ندیده است. به‌رغم وجود توان و فرصت استفاده از سرمایه اجتماعی مردم در رویدادها و رخداد‌های اجتماعی، در این جا خلاء فقدان سازمان‌ها و نهادهای واسطه که در سپهر عمومی، به ایفای نقش کارساز خود بپردازند، کاملاً مشهود است.

- بحران مشروعیت رسانه‌های رسمی و احساس عدم شفافیت و صداقت در این رسانه‌ها، توسط بخش‌هایی از جامعه، و تلقی در ناهماهنگی کیفیت انتشار اخبار مربوط به فاجعه و اطلاع‌رسانی مناسب، که سبب رواج شایعه‌های گوناگون در مورد مسائل مربوط به وقوع فاجعه شد. بی‌اعتمادی بخشی از جامعه به مجاری اطلاع-رسانی رسمی، سبب شکل‌گیری نوعی فضای حاد-واقعی می‌شود که تلاش در جهت تولید روایت‌های خاص و بعضاً همراه با سوگیری، از این واقعیت دارند. در همین مورد، می‌توان به تفکر اسطوره‌ساز در میان بخش‌هایی از مردم اشاره کرد که همواره با مرگ چهره‌ای مشهور و وقوع رخدادی گسترده، بازنمایی می‌شود. در سال‌های گذشته به کرات مشاهده شده که مرگ در فرهنگ ما خصیلتی اسطوره‌ساز دارد و نمود آن را می‌توان در مرگ سیروس قایقران، ناصر حجازی، مرتضی پاشایی و اخیراً نیز در مورد آتش‌نشانان ملاحظه کرد. اسطوره‌سازی، واجد سویه‌های مثبت نیز است، اما از منظر فرهنگی و به تعبیر رولان بارت، سبب غفلت از نقش و سهم عاملان کنش انسانی و جعل واقعیت و مخدوش شدن آن می‌شود، و همین امر می‌تواند به تحریف و پس از آن نادیده‌گرفته شدن بسیاری از جنبه‌های درس‌آموز رخداد‌های اجتماعی شود.
- مرکزیت یافتن رخداد پلاسکو در میان رویدادها و حوادثی که



هرازچندگاهی در گوشه و کنار کشور به چشم می‌خورد، نشان از اهمیت پایتخت به عنوان مرکز و کم‌توجهی به پیرامون دارد. تقریباً هم‌زمان با رخداد پلاسکو، اهواز در حال دفن شدن زیر تلی از گردوغبار است و در گوشه‌ای دیگر از کشور، منطقه محروم سیستان و بلوچستان، درگیر سیلی خانمان‌برانداز و بنیان‌فکن است، اما بازتاب رسانه‌ها - اعم از رسمی و غیررسمی - چیست و تا چه میزان این وقایع، که از بسیاری جنبه‌ها، پیامدهایی ویران‌کننده‌تر از رخداد پلاسکو دارند، مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؟ این بی-توجهی و غفلت، چه در سطح جامعه مدنی و چه در سطح دولتی، چگونه قابل توجیه است؟

زشت

- حضور کنجکاوانه برخی از مردم در محل وقوع رخداد، و عدم همکاری لازم برای تسهیل در عملیات امدادسانی،
- تلقی بخش‌هایی از جامعه از حضور مسئولان دولتی به عنوان ژست‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی،
- استفاده از نمای ساختمان در حال سوختن و فروریزی به عنوان پس زمینه عکس‌های سلفی، که افزون بر ضعف اخلاق عمومی، نشانه و نمادی از تأخر و پس‌افتادگی فرهنگی و عدم تناسب ساحت مادی و غیرمادی در استفاده از رسانه‌های نوپدید است؛ که تالی فاسد آن در حیطه‌های دیگر، به ویژه رفتار ترافیکی و رانندگی، در سطح کشور مشهود است. به تعبیر فوکویی، این ضعف‌های اخلاقی را می‌توان ویرانگرتر از خرابی‌های فیزیکی دانست.

در مقام جمع‌بندی

در این نوشته، تلاش شد به اختصار از سه جنبه به برخی جنبه‌های مثبت و منفی رخداد پلاسکو پرداخته شود. در مقام یک جمع‌بندی



کلی می‌توان بسیاری از موارد ذکر شده را به منزله نمادی از شکاف دولت/ملت و یا شکاف ملت/ملت و یا هر دو تلقی کرد. یکی از جنبه‌های طنزآلود و تلخ ماجرا در نقش رسانه‌های نوپدید و تکنولوژی‌های ملازم با آن، در سلب تفکر و اندیشه در این رخدادهاست. اگر به تعبیر دکارت، اندیشیدن، معناگر هستی است، اکنون این هستی در رفتاری بدون اندیشه، مانند سلفی گرفتن با ساختمان در حال فروپاشی و سوختن، تجلی پیدا می‌کند. اما موضوع فراتر از آن، «نیندیشیدن» است.

رسانه‌های تکنولوژیکی نوپدید، این امکان را فراهم ساخته‌اند که انسان‌ها با سرعت، در جریان اطلاعات قرار گیرند و به تعبیر مشهور مک لوهان، جهان را به دهکده‌ای بدل ساخته‌اند که هر واقعه و رویداد، بلافاصله در گستره گیتی پخش می‌شود، اما به رغم شناور بودن در اقیانوسی از اطلاعات و داده‌ها، که به مدد شبکه‌های اطلاعاتی، پیوسته در حال گسترش هستند، عمق و ژرفایی در این انبوه اطلاعات وجود ندارد و بخش بزرگی از مردم، تبدیل به مصرف‌کنندگانی منفعل و بدون اندیشه شده‌اند که بدون تجزیه و تحلیل، صرفاً به بلعیدن داده‌ها اکتفا می‌کنند. در واقع، این رسانه‌های نوپدید هستند که به جای انسان‌ها می‌اندیشند و حتی مبادرت به خلق اندیشه می‌کنند — گاه این نقش، جنبه طنز پیدا می‌کند، نگاه کنید به نقل قول‌های منسوب به شریعتی، پناهی، کوروش، و غیره در فضاهاى موسوم به مجازی، که هر کدام تلاش برای بازنمایی و بازسازی واقعیت‌هایی آرمانی بر مبنای آرزوهای سرکوب شده و فروخته در ساحت‌های گوناگون دارند. این نوع رفتار اجتماعی، به رغم درگیر کردن عاملان کنش در تعاملات اجتماعی و فرهنگی، اما در متن و بطن خود توان بازتابندگی، تأمل و اندیشیدن را از عاملان سلب می‌کند. ریزمن، جامعه‌شناس و استاد علوم ارتباطات، زمانی نه چندان دور در سنخ‌شناسی خود عنوان کرده بود که جوامع پس از گذر از دوره‌های سنت‌راهبری و درون‌راهبری، وارد مرحله



دگرراهبری می‌شوند. امروزه، شاهد گونه‌ای جدید از دگرراهبری هستیم که در پرتو فن‌آورهای تکنولوژیکی پیوسته تغییر تاکتیک می‌دهد و امکان اندیشیدن، تأمل و خلاقیت را از مردم می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان مدعی شد که رسانه‌ها و تکنولوژی‌های رسانه‌ای نوین خود به تعریف و معناکردن اندیشیدن و خلاقیت می‌پردازند، که یکی از مهمترین پیامدهایش نیندیشیدن است – چرا که «دیگری» به جای ما زحمت و مرارت اندیشیدن را متقبل شده است. با الهام از مفهوم بازاندیشی‌گیدنز، فضاهای رسانه‌ای نوپدید کم‌وبیش جامعه را درگیر قفس آهنین «دگرراهبری» کرده‌اند و امکان بازاندیشی، تفکر و تأمل را از او ستانده‌اند.

اگر بخواهیم نتیجه‌ای کلی از توصیف‌ها و مشاهدات رفتار مردم در مورد مصرف وسائل ارتباطی نوپدید بگیریم، می‌توان به چند نکته مهم اشاره کنیم. افراد، به‌ویژه جوانان، به این سمت، سوق پیدا می‌کنند که هویت خود را با صورت‌های نوین مصرف این فرآورده‌ها به نمایش بگذارند و از این طریق حتی برای خود کسب منزلت کنند. از طرف دیگر، افزون بر تأخر فرهنگی در استفاده از این ابزارهای نوپدید، می‌توان عنوان کرد که مردم در استفاده از کالاهای فرهنگی – رسانه‌ای دچار نوعی حالت «آنومی» هستند و این حالت در بسیاری از موارد، و همراه با فقدان اطلاعات صحیح و آموزش مناسب برای مدیریت رفتار و احساسات، تشدید می‌شود. با الهام از توماس تسیه، جامعه‌شناس آلمانی، می‌توان گفت بخش عمده‌ای از مردم در جامعه، هنگام رویارویی با حوادث – در مقیاس فردی و جمعی – دچار نوعی «رها شدگی فرهنگی» شده‌اند؛ یعنی از یک سو انگاره‌های فرهنگی رایج، چندان از سوی آنان مورد پذیرش نیست، و از سوی دیگر هیچ‌گونه گزینه/گزینه‌هایی نیز برای اتخاذ رویه‌های مناسب برای آنان تعریف نشده است. بدیهی است که در چنین حالتی، که هویت‌های چندگانه



در گروه‌های اجتماعی در ارتباط با گستره‌ای از عملکردها از سوی خانواده، جامعه و دولت سرکوب می‌شود، خود را با صورت‌های دیگری از هویت پیوند می‌دهند که یکی از برآیندهای آن گرایش به مصرف کالاهای رسانه‌ای در شکل‌های اجتماعی فعلی است. امروزه، با توسعه‌ی نسبی فرایند جهانی‌شدن، تدریجاً منابع سنتی هویت‌سازی، رو به اضمحلال رفته و عامل‌های سازنده هویت، به منصفه ظهور در می‌آیند. در این وضع است که کنش‌گران دیگر، به دور از نهادهای تعیین‌گر ساختاری چون سنت‌ها، عرف‌های رایج، محدودیت‌هایی که از طرف دولت‌ها اعمال می‌شود، خود را به جای آن‌که در یک «مکان اجتماعی» قرار دهند، در «فضایی اجتماعی» می‌یابند و از این رهگذر به‌نحوی زیست‌مند، به تجربه مدرنیته می‌پردازند. در واقع، همان‌گونه که اینترنت از طریق شیوه‌هایی چون اتاق‌های گپ و گفت‌وگو، افراد متفاوت و متعلق به فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد، مصرف فرهنگی رسانه‌های نوپدید، این توانمندی را دارد تا افراد را در محیط‌های مشابه اجتماعی قرار دهد. در این حالت، مصرف فرهنگی، به عنوان محور تعیین‌کننده‌ی «هویت»، واجد ارزشی «نمادین» و «فرهنگی» است.

سخن پایانی این‌که، زندگی مدرن شهری نیاز به حضور فعال و مؤثر نهادهای مدنی و تقویت عرصه عمومی دارد. افزون بر این، با توجه به خلاء الگوسازی فرهنگی، به‌ویژه در مورد تعهد و مسئولیت-پذیری اجتماعی، تربیت اجتماعی، و رعایت حقوق انسانی، و به‌منظور فعلیت بخشیدن به منابع بالقوه سرمایه اجتماعی، مثلث سه نهاد دین، آموزش و پرورش، و رسانه برای الگوسازی به‌ویژه در حیطه عرف و کنش‌های روزمره، اهمیت دارند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی و پژوهشی